

نقش نهاد قضایی در مدیریت بحران‌های آب و سلامت عمومی با تأکید بر جایگاه مدعی‌العموم



محمد بخشی محبی
دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

نقش نه تنها جنبه حقوقی، بلکه کارکرد تنظیم‌گر و بازدارنده دارد که می‌تواند خلأ موجود در نظام حکمرانی آب را تا حدودی پوشش دهد.

جایگاه حقوقی نهاد قضایی در حفاظت از منابع آب

- نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب، مواد و اصول متعددی را برای حفاظت از منابع آب و محیط‌زیست در نظر گرفته است. مهم‌ترین این مبانی، عبارت‌اند از:
- اصل پنجاهم قانون اساسی که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه‌ای عمومی و الزام‌آور می‌داند.
 - ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی که تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق هر نوع آلودگی را جرم تلقی کرده و نهاد قضایی را ملزم به ورود می‌داند.
 - قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالاب‌ها (مصوب ۱۳۹۶)
 - آیین‌نامه حمایت از حقوق عامه (۱۳۹۷) که حوزه صلاحیت قضات در ورود به پرونده‌های زیست‌محیطی را تقویت می‌کند.
- بر این اساس، دستگاه قضایی واجد اختیار قانونی برای مداخله در بحران‌های آبی است، به‌ویژه زمانی که منافع جمعی در معرض تهدید بوده یا نهادهای اجرایی توان یا اراده مداخله مؤثر ندارند.

مدعی‌العموم به‌مثابه تنظیم‌گر مدیریت بحران‌های

آبی: تجربیات موردی

۱. کشف‌رود مشهد

رودخانه کشف‌رود، که در گذشته یکی از منابع حیاتی جریان

بحران‌های فزاینده در حوزه منابع آب کشور، ابعاد فرابخشی و تهدیداتی عمیق برای سلامت عمومی، محیط‌زیست و توسعه پایدار رقم زده‌اند. در شرایطی که ظرفیت‌های اجرایی دستگاه‌های متولی کفایت پاسخگویی به این بحران‌ها را ندارد، ورود نهادهای نظارتی و قضایی، به‌ویژه مدعی‌العموم، در چهارچوب قوانین موضوعه از جمله مواد ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، می‌تواند نقش مؤثری در کنترل و اصلاح فرآیندهای مخرب ایفا کند. مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی و بررسی چند تجربه میدانی، به نقش این نهاد در مواجهه با تخلفات و بحران‌های آبی پرداخته و ظرفیت‌های قانونی موجود را تبیین می‌کند.

مقدمه

در سال‌های اخیر، نشانه‌های بحران کمی و کیفی آب در ایران، به‌ویژه در مناطق شرقی، مرکزی و شمالی، به‌وضوح نمایان شده است. از کاهش شدید ذخایر سفره‌های آب زیرزمینی تا آلودگی گسترده منابع سطحی، و حتی زیرزمینی، طیف وسیعی از تهدیدات متوجه پایداری اکولوژیکی، سلامت جمعی و امنیت غذایی کشور شده‌اند. این بحران‌ها، به‌دلیل ماهیت فرابخشی و تأثیرات آبی و بلندمدت، نیازمند مداخله نهادهایی فراتر از دستگاه‌های اجرایی متعارف هستند.

یکی از ظرفیت‌های مؤثر اما کمتر به‌کار گرفته‌شده در این حوزه، ورود نهاد قضایی و به‌طور خاص مدعی‌العموم، در راستای حفظ حقوق عامه و پیشگیری از تضییع منابع طبیعی است. این

حمایت از حقوق عامه و قانون توزیع عادلانه آب، اقدام به صدور دستور پلمب چاه‌ها و پیگیری مسئولیت صنایع پرمصرف کرد. این ورود، مانعی در مسیر گسترش بحران و اقدامی اصلاحی برای کنترل منابع بود.

تحلیل عملکرد نهاد قضایی و ظرفیت‌های تقویت‌شده

بررسی موارد فوق نشان می‌دهد که نقش قضایی در مدیریت بحران آب، از سطح واکنش به تخلف، فراتر رفته و وارد مرحله تنظیم‌گری شده است. درواقع، نهاد قضایی در غیاب یا ضعف عملکرد دستگاه‌های اجرایی، می‌تواند به مثابه ضامن عدالت زیست‌محیطی و حافظ منابع حیاتی عمل کند. این الگو در صورتی که با پشتیبانی ساختاری و نهادی تقویت شود، می‌تواند به بازوی مکمل حکمرانی آب در کشور تبدیل شود.

پیشنهادهای سیاستی برای تقویت این نقش

۱. ایجاد کارگروه‌های قضایی - محیط‌زیستی استانی با حضور دادستان، نماینده وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط‌زیست
۲. تدوین دستورالعمل‌های تخصصی برای ورود مدعی‌العموم در حوزه آب و محیط‌زیست
۳. توسعه نظام گزارش‌دهی عمومی و تخصصی به نهاد قضایی درباره تخلفات آبی و آلاینده‌ها
۴. ایجاد سامانه هوشمند رصد تخلفات آبی با دسترسی مشترک برای دادستانی و نهادهای متولی
۵. تقویت ظرفیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد برای طرح شکایات زیست‌محیطی در محاکم صالحه

نتیجه‌گیری

آنچه از تجربه ورود نهاد قضایی در بحران‌های آبی برمی‌آید، اثربخشی آن در توقف روند تخریب، آغاز فرآیند اصلاح، و حمایت از سلامت عمومی است. مواد ۲، ۴۵ و ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، به عنوان رکن اصلی این ورود، به همراه سایر مقررات قانونی، چارچوب حقوقی لازم را فراهم آورده است. با این حال، استفاده نظام‌مند، تخصصی و هماهنگ از این ظرفیت، نیازمند هم‌افزایی میان قوه قضاییه، نهادهای اجرایی و جامعه کارشناسی آب کشور است. تقویت نقش مدعی‌العموم در حکمرانی منابع آب، به‌ویژه در شرایط بحران، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای نجات منابع حیاتی کشور است.

سطحی در شرق کشور بود، با ورود فاضلاب‌های شهری و پساب‌های صنعتی، به شدت آلوده شد. با وجود هشدارهای کارشناسان، فقدان اقدام مؤثر از سوی متولیان، باعث شد که دادستان وقت مشهد با استناد به ظرفیت‌های قانونی و حمایت مطالبه‌گری سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه ورود نماید. صدور اخطاریه‌ها، بازخواست از مدیران محلی و الزام به اجرای طرح بازپیرایی مسیر رودخانه، بخشی از آثار مداخله قضایی در این پرونده بود.

۲. چرم‌شهر مشهد

به گواهی گزارش‌های کمیسیون بهداشت در نقاط مختلفی از کشف‌رود، فعالیت گسترده دباغی‌ها و صنایع چرم، بدون تصفیه مؤثر، منجر به آلودگی شدید منابع زیرزمینی می‌شد. بدین جهت و با ارائه، بررسی و بازخورد به گزارش‌های مردمی، در نهایت مدعی‌العموم با اتکا به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و همچنین ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، اقداماتی را جهت صیانت از حقوق عامه به انجام رسانید. در ادامه ضمن تکلیف به آموزش و اطلاع‌رسانی و در نهایت تجمیع و ساماندهی، چند واحد آلاینده پلمب و تصفیه‌خانه مرکزی مکلف به ارتقاء عملکرد شد. این مداخله نه تنها نقش پیشگیرانه داشت، بلکه توانست امکان روند اصلاح زیرساخت‌های صنعتی را تسریع کند.

۳. هامون سیستان

تالاب هامون، یکی از مهم‌ترین زیست‌بوم‌های آبی کشور، در نتیجه برداشت‌های غیرمجاز، خشکسالی و ممانعت از ورود حقایق از کشور همسایه، به وضعیت بحرانی رسید. دستگاه قضایی زایل ورود پیدا کرده و با صدور احکام قضایی علیه متجاوزان و برداشت‌کنندگان غیرقانونی از رودخانه‌های ورودی، نقش کلیدی در حفاظت از باقیمانده تالاب ایفا نمود.

۴. تالاب انزلی

تالاب بین‌المللی انزلی، به دلیل انباشت رسوبات، فاضلاب‌های شهری و ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه در حریم آن، دچار زوال زیست‌محیطی شد. در این زمینه، دادستان بندر انزلی با استناد به قانون حفاظت تالاب‌ها و همکاری با متولیان آن از جمله آب منطقه‌ای و سازمان محیط‌زیست، پروژه لایروبی و تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز را به جریان انداخت. این ورود، نقش بازدارنده‌ای در توسعه تجاوز به بستر تالاب ایفا کرد.

۵. زرنده کرمان

در زرنده، حفر چاه‌های غیرمجاز و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، منجر به فرونشست زمین و افت جدی سطح سفره‌ها شد. دادستان این شهرستان، با تکیه بر آیین‌نامه